

فرزاد مجید پور

ادامه قبلی بحث چهارم - بخش دوم

«گذشته را نمی‌توان تغییر داد، نه فراموش کرد، نه اصلاح کرد و نه پاک کرد. فقط می‌توان آن را پذیرفت و از آن آموخت.»

علاقه‌مندان رویدادها و جریان‌های نزدیک به یک قرن اخیر کشور، ممکن - سه بحث قبلی و بخش اول بحث چهارم مطرح شده - ما (تنی چند از جوانان تشنه دریافت حقایق و واقعیت‌های رویدادهای بیش از نیم قرن اخیر کشور) را در فیسبوک و یا سایت‌های «خراسان زمین» و «گفتمان»، از نظر گذراننده باشند. هنوز جای گفتمان، واکاوی و ارزیابی در باره‌ی محتوای هر یک از آن بحث‌ها باقیست. البته در فرصت دیگر به ادامه‌ی واکاوی آن‌ها، خواهیم پرداخت. اکنون بحث کنونی و چهارمی خویش را تحت نام «از اینکه در بحث‌های قبلی آگاهان امور، آنچه لازم به معلومات و جریان شعله‌ی جاوید» دنبال می‌کنیم آگاهی دهی بود، ما را یاری و همکاری نکردند. خواستیم به شیوه دیگر، گرد آورده‌های خویش را (در باره‌ی «سازمان جوانان مترقی افغانستان» و جریان مشهور به «شعله‌ی جاوید»، پس منظر و پیش منظر آن‌ها)، با خواننده گان گران مایه مطرح سازیم و همزمان محترمانه خواهشمندیم، شخصیت‌های واقف به مسائل، نظریات تعدیلی و تکمیلی خویش را در مورد موضوعات گرد آورده شده - ارائه می‌گردد، از ما دریغ نه فرمایند...

مطالعات بخشی اسناد و مدارک تاریخی رویدادهای سیاسی بیش از نیم قرن اخیر می‌رساند ... در پی مظاهره روشنفکری سال (1348) خ، تعدادی از سیاسیون جناح‌های مختلف در شهر کابل، از جمله تنی چند از اعضای رهبری و کادرهای «سازمان جوانان مترقی افغانستان» محکوم به حبس و زندان گردید. به دنبال این رویداد (حبس و زندان) در سال 1359 خ اولین انشعاب در «سازمان جوانان مترقی»، با انتشار مطلبی زیر عنوان «پس منظر تاریخی ...» مبنی بر نقدی بر رهبری وقت سازمان مذکور، بنام «گروه پس منظر» (از جمله انجنیر محمد عثمان، محمد اسحاق مضطرب «نکارگر»، عین‌علی «بنیاد»، محمد همزمان با انشعاب و بالا گرفتن مریضی عصبی محمد اکرم یاری. حسین «طغیان» ...)، صورت گرفت. مسئول اول سازمان جوانان مترقی، ناهنجاری‌ها و اختلافات فکری در سطح رهبری آن، بیش از پیش - قوت گیرد و بی‌اعتمادی تشدید یابد. این عوامل سبب شد تا، محمد اکرم یاری موقتاً از کارهای عملی در چنین اوضاع و شرایط، بالآخر اسرار و پیشنهاد رهبری «سازمان جوانان مترقی» پا - بیرون کشد محمد صادق یاری (عضو موثر کمیته مرکزی)، داکتر محمد فیض احمد در نشست عمومی 1349 خ به عضویت کمیته مرکزی سازمان (س. ج. م. ا.) ارتقا یابد. چنین تصمیم نه تنها، باعث کاهش اختلاف فکری در درون رهبری سازمان نشد، برعکس - به گروه بندی‌های درونی در رهبری افزود و سبب از دیاد و تشدید اختلاف در دیدگاه‌های اعضای رهبری سازمان (س. ج. م. ا.) گردید. در نتیجه‌ی تشدید و تداوم اختلافات، جناح داکتر فیض احمد در سال (1351) خ، با ارائه نوشته‌ی زیر عنوان «طرده پورتونیزم در راه انقلاب سرخ به پیش» بنام «انتقادیون» سازمان (س. ج. م. ا.) را ترک نمودند و «گروه انقلابی خلق‌های افغانستان» را ایجاد نمودند. این دومین انشعاب بود که «س. ج. م. ا.» آن را

با استقرار حاکمیت کودتایی محمد داود در سرطان 1352 خ قانون اساسی محمد ظاهرشاه، که تجربه کرد در آن از فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی نوید داده بود تعطیل گردید و به امتداد عدم توشیح قانون احزاب سیاسی از جانب محمد ظاهرشاه، که از آن عمداً پرهیز نموده بود، فاجعه سیاسی بار دیگر، از همین جا (تعطیل قانون اساسی) آغاز گردید و عملاً احزاب و سازمان‌های سیاسی ایجاد شده و یا در حال ایجاد به اختفا رفتند. در چنین فضا و جو سیاسی محمد اکرم یاری، با داشتن مریضی عصبی، در فصل خزانریز سال 1353 خ از ماموریت در دستگاه «افغان بیمه» استعفا دهد، شهر کابل را ترک گفت و تا اواخر سال (1357) خ، در زادگاه اش (منطقه بزرگ جاغوری) مصروف کارهای عملی سیاسی از جمله توزیع زمین پدری خویش، به دهقانان بی زمین و کم زمین گردید و خواست با برقراری و پیوند متقابل خویشاوندی با خانواده‌ی دهقان محل، به پیوند طبقاتی پدری خود عملاً مقاطعه نماید (البته به این ترتیب خواسته بوده، به سوالاتی چند - از جمله، زندگی کوتاه مدت خویش به حیث غلام بچه در خانواده محمد ظاهر شاه، کم و بیش پایان داده باشد). بالاخره محمد اکرم یاری در رژیم 7 ثور (ح. د. خ. ا.) دو بار در جاغوری ولایت غزنی از بستر مریضی گرفتار و به کابل انتقال گردید (بار نخست از بابت شدت بعد از گرفتاری به تاریخ 7 قوس 1358 خ بدون محاکمه اعدام گردید. - مریضی رها گردید) و بار دوم شماره 4383، شامل فهرست 4500 نفری اعلان شده از جانب رژیم 7 ثور، ثبت می‌باشد که توسط حکومت شاهی کشورهالند به نشر رسید. به این ترتیب فعالیت سیاسی و عملی محمد اکرم یاری پایان به دنبال انشعاب جناح داکتر فیض احمد، از سازمان (س. ج. م. ا.) و ایجاد «سازمان انقلابی پذیرفت خلق‌های افغانستان»، «محفل شمال»، که قبلاً در سال (1352) خ، به ابتکار عبدالمجید کلکانی، پایه‌گذاری شده بود، این محفل در سال 1353 خ با سازمان مذکور پیوست. تشکل‌های یاد شده، صرف به ادغام کمیته‌های مرکزی یکدیگر اکتفا کرد و به ادغام تشکیلاتی تا سطح صفوف نه انجامید و این مسئله (تشکیلاتی) سازمان «افزون بر تفاوت دیدگاه‌های سیاسی، مشکلاتی را در فردای - کار مشترک آن‌ها به بار آورد. انقلابی خلق‌های افغانستان» در سال (1354) خ، کنفرانسی را برای جمع‌بندی تجارب خویش دعوت نمود. اما کنفرانس به اهداف پیشبینی شده خود دست نیافت و تعدادی به رهبری انجنیر بریالی و داکتر عاکف با انتشار «ایدیولوژی چیست؟» با (گ. ا. خ. ا.) قطع رابطه کردند و «سازمان تدارک و مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست» را ایجاد و نشریه‌ی را زیر عنوان «اخگر» به نشر سپرد، بعدها به همین نام یاد گردید.

کنفرانسی به ابتکار محمد صادق یاری و تعدادی از کادرهای (جریان شعله جاوید) و «سازمان جوانان مترقی افغانستان» در سال 1356 خ، در غیاب محمد اکرم یاری (در منطقه جاغوری بسر می‌برد) دایر گردید و «سازمان رزمندگان خلق‌های افغانستان» (سرخا) را پایه‌گذاری نمودند، با استقرار حاکمیت هفت ثور 1357 خ، «سرخا» مردم را علیه رژیم 7 ثور به خیزش دعوت نمود، در اثر خیانت یکتن؟ از اعضای رهبری (سازمان رزمندگان خلق‌های افغانستان) زیادی از رهبری و تعدادی از کادرها آن، به شمول صادق یاری به دام (اکسا) افتید، همه گرفتار شده‌ها اعدام گردیدید. متباقی به حلقات و دستجات همفکر پیوست. به این ترتیب سازمان (سرخا) از هم با شید.

اعزام هیئت دو نفری، به نمایندگی دو جناح (داکتر فیص احمد و عبدالمجید کلکانی) در کمیته مرکزی « گروه انقلابی خلق‌های افغانستان » به کشور چین، غرض ملاقات با نمایندگان حزب کمونیست خلق چین و حکومت آن در خزان 1357خ (بعد از کودتا 7 ثور) و برخورد دوگانه هیئت مذکور در مذاکره با مقامات حزبی و حکومت چین کمونیست، در برگشت هیئت از کشور چین، انشعاب در « سازمان انقلابی خلق‌های صورت گرفت. جناح عبدالمجید کلکانی با « گ. ا. خ. ا. » قطع رابط کرد و در سال «افغانستان (1358)خ، (ساما) را بنیان گذاشت و « سازمان انقلابی خلق‌های افغانستان) به رهبری داکتر فیص احمد، در سال (1358)خ، به « سازمان رهایی) تغییر نام داد و با انتشار نشریه (مشعل رهایی) به فعالیت خود ادامه داد.

ادامه دارد...

ایمیل فرزاد مجیدپور: majidpoor2@gmail.com